

دیوان عطار نیشابوری

www.ketab.ir



سرشناسه: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۳۷ هـ ق ۶۲۷-۵۰ ق

عنوان و پدیدآورنده: دیوان عطار نیشابوری / عطار نیشابوری

مشخصات نشر: تهران، فرهنگ جامع، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۵۳۶ ص؛ ۲۴*۱۷ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۱۴-۷۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

موضوع: شعر فارسی - قرن ۵۶ ق

موضوع: شعر عرفانی - قرن ۵۶ ق

شناسه افزوده: هاشمی، محمد، ۱۳۶۳ - مصحح

رده‌بندی کنگره: ج ۱۳۹۰ PIR۵۰۳۵

رده‌بندی دیویی: ۸۸۲۳/۱

شماره کتابخانه ملی: ۲۶۱۹۸۵۴

دیوان عطار نیشابوری

- مصحح: مهندس محمد هاشمی □ حروفچینی و صفحه‌آرایی: فرهنگ جامع □ لیتوگرافی: ندائی
- چاپ و صحافی: فراز اندیش سبز □ چاپ اول: ۱۳۹۳ □ شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۱۴-۷۳-۴ □ حقوق چاپ و انتشار این نسخه از دیوان
- عطار نیشابوری که توسط انتشارات فرهنگ جامع تصحیح و ویرایش شده است، محفوظ و
- متعلق به ناشر است. تایپ، اسکن، چاپ و انتشار تمام یا بخشی از این نسخه،
- بدون مجوز کتبی از ناشر، تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

انتشارات فرهنگ جامع

تهران - خیابان انقلاب، روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخررازی،
 «خیابان لبافی‌نژاد»، نبش کوچه اسلامی، پلاک ۱۸۶، طبقه ۱ □ تلفن: ۶۶۴۹۶۹۹۷ /
 ۶۶۴۸۲۸۰۰ □ تلفاکس: ۶۶۴۰۰۱۷۸ □ صندوق پستی: ۵۶۷-۱۳۱۴۵

۲۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه ناشر	۷
قصاید	۱۳
غزلیات	۷۳
ترجیعات	۵۲۵

www.ketab.ir

مقدمه ناشر شیخ فریدالدین عطار نیشابوری

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری که از جمله بزرگترین شاعران ایران و عرفای نامدار و چون دُرّی بر تارک ادب پارسی می درخشد به سال ۵۴۰ ه.ق. در شهر نیشابور چشم به دنیای خاکی باز نمود.

پدرش اهل فضل بود و مادرش با کمالات آشنایی داشت و از آغازین روزهای تربیت عطار به او رسم زیستن را آموختند و در حدّ توان در بالا بردن علم و دانش و زهد و تقوی او را یاری کردند. این خاندان از جمله خاندان‌های سرشناس شهر بزرگ نیشابور بود که علاوه بر شهرت در زهد و تقوی به علم و دانش نیز مجهز بودند، پدرش عطار (داروقروش، حکیم) بزرگی بود که همه روزه بیماران بسیار از اقصی نقاط نیشابور به او مراجعه می‌کردند و در رفع بیماری‌ها از او مدد می‌خواستند، و این بزرگ‌مرد با مداوای بیماران امورات خود را می‌گذراند، البته نه به صورتی که طبیبان امروزی،... او هرگز حرفه‌ی شریف و مقدّس خود را با تجارت اشتباه نگرفت و غالب بیماران او را افرادی تشکیل می‌دادند که قادر به پرداخت اجرت معالجه و پول داروی خود به دیگر طبیبان و حکیمان نبودند و چون حکیم را به زهد و پارسائی نیز می‌شناختند اعتقاد خاصی نیز به او داشتند که خود این اعتقاد داروی شفابخشی بود برای بسیاری از آنان، زیرا که اگر همراه با معالجه اعتقاد بیمار به طبیب نیز همراه باشد معالجه سریع‌تر و سودمندتر خواهد بود.

فریدالدین از دوران طفولیت گاهی همراه پدر به عطّاری می‌آمد و علاوه بر بهره‌وری از توضیحات حکیم عملاً نیز با بیماران سر و کار داشت و لطف خدا شامل حال این نابغه‌ی روزگار بود که تا دوران شباب سایه‌ی پدر و مادر را بر سر داشت و در حدّ کمال از اندوخته‌های معنوی، مادی و دانش پدر بهره برد.

خانواده‌ی عطّار با وجود رفتار خوب و مردم‌یارانه‌ای که داشتند باز هم به لحاظ شغل خود (طبابت) که بسیاری از بزرگان و امرا نیز برای دفع بیماری به آنان رجوع می‌کردند، از وضعیت مالی بسیار خوبی برخوردار بودند، به‌طوری که از بابت ثروت نیز در ردیف بزرگان شهر قرار داشتند و بدین لحاظ است که شاید عطار توانست خود را بی‌نیاز از صله و مرحمت امرا دانسته و هرگز کیسه‌ای برای اندوختن پول شاعری نداشت.

عطار بنا به خواست خود و حمایت پدر از آغازین روزهای زندگی به کسب معرفت پرداخت و در محضر پدر و سایر علمای هم عصر خود با علوم مختلف آشنا گردید، او قرآن کریم را با معرفت آموخت و به علوم حدیث، فقه، تفسیر، نجوم و ادب آشنایی پیدا کرد و در علم طب نیز سرآمد طبای شهر و بلکه روزگار گردید.

شیخ فریدالدین در میان علوم از فلسفه همواره کناره گیری می کرد و به عرفان و تصوف ارادتی کامل داشت به گونه ای که هر کس را که در این عقیده بود احترامی شایسته می گذارد اما هرگز در این راه به افراط دچار نگشت و در واقع از خشک مقدسی دور بوده است. او واقعیت نگر بوده و دنیا را با تمام عظمت عطیه ای الهی می دانست که خالق بزرگ برای استفاده نوع بشر آفریده، و از این رو بود که عرفان عطار نیز همچون شعرش روان بود و دلچسپ و از مطالعه آثار عرفانی این شاعر بزرگ و عارف نامدار همواره انسان لذت وافر می برد.

عطار معتقد بود که وجود انسان یعنی اشرف مخلوقات از دیدگاه خالق بزرگ اهمیت بسیار دارد و تنها موجود در کره ی خاکی می باشد که می تواند به بهترین نحو قبول محبت خداوندگار را نموده و عبادت و زهد و تنوی را نیز در جای خود و به اندازه رعایت نماید. عطار پرهیز از موهومات را لازم می داند، و رها کردن دیو شهوت و هوی و هوس را امری خطرناک. او می گوید اگر از عشق وافر به ظواهر بگذری به عشق حق می رسی و توحید واقعی را ادراک می نمایی و سیر و سلوکی عارفانه را که طی مسیر آن آسان نیز نمی باشد توصیه می نماید.

عطار هفت وادی رسیدن به عشق را که عبارت از: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر است، می گذراند و در آخرین مرحله خود را فانی می داند و معتقد است که از این پس در حق حل شده و فقط حق می ماند که در این راه راهنمای پیر سالک امری ضروری می باشد که او را از این مراحل عبور دهد.

تصوف عطار عین شریعت است و از آن جدا نیست و او این راه را با آنکه مشکل است پیمودنی می داند.